

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال دوم، شماره‌ی هفتم، ۱۳۹۰، صص ۱-۲۴

جابر بن یزید جعفی و بررسی اتهام غلو در باره وی

دکتر عباس احمدوند*، سعید طاوسی مسرور**

چکیده

«ابومحمد جابر بن یزید جعفی کوفی» (متوفی ۱۲۸ هـ.ق)، از اصحاب نامدار امام محمدباقر و امام صادق علیهما السلام است. او از بزرگ‌ترین علمای شیعه‌ی امامیه بود و به رجعت اعتقاد داشت. به دلیل توجه جابر به بطون آیات و احادیث، که در برخی روایات و اقوال منقول از او نیز تصریح شده است، غالیان او را از پیشکسوتان خویش معرفی کرده‌اند. سوءاستفاده‌ی غالیان از نام و شخصیت وی باعث شده است برخی جابر جعفی را شبه‌غالی بدانند و او را از غالیان نیمه‌افراطی محسوب کنند. عده‌ای نیز او را به صراحت غالی معرفی کرده‌اند. حال آنکه با بررسی علل جرح وی نزد برخی رجالیان متقدم شیعه و با استناد به روایات وارده در مدح وی و اقوال فرقه‌نگاران متقدم شیعه در ردّ تهمت غلو از او، و نیز دقت در نوع روایات وی و توجه به امور باطنی در آنها که مستعد سوءاستفاده‌ی غلات است، می‌توان جابر جعفی را از اتهام غلو مبرا دانست. واژگان کلیدی: جابر جعفی، امام محمد باقر علیه السلام، امام جعفر صادق علیه السلام، شیعه‌ی امامیه، رجعت، مهدویت، غلو، غالیان، کوفه.

* استادیار دانشگاه شهید بهشتی. (a.ahmadwand@gmail.com)

** دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه تهران. (saeed.tavoosi@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۰/۱۹ - تاریخ تأیید: ۱۳۹۰/۱۱/۱

مقدمه

در ابتدای این مقاله، اطلاعات اندک و پراکنده‌ی ما از سیر زندگی جابر جعفری ارائه می‌شود. گفتنی است، این نقص از کمبود یا نبود منابع قابل اعتماد نشئت می‌گیرد. در ادامه، به آراء و عقاید او می‌پردازیم. در این بخش، بیشتر به روایات وی و سپس نظر موافقان و مخالفان درباره‌ی او تکیه می‌کنیم. بخش پایانی مقاله نیز به بررسی و نقد نظریه‌ی شبه‌غالی بودن جابرین یزید اختصاص خواهد یافت.

سیر زندگی جابر جعفری

ابومحمد جابرین یزید جعفری کوفی^۱ (متوفی یا متولد ۱۲۸ هـ.ق)، از اصحاب برجسته‌ی امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام^۲ است. شیخ طوسی بر اساس نقلی نادرست از ابن‌قتیبه، او را در اثر خلط با جابرین یزید، از دی دانسته است.^۳ او در کوفه درگذشت؛^۴ تاریخ وفات وی نیز به اختلاف، ۱۲۷ یا ۱۲۸ یا ۱۳۲ هـ.ق. ذکر شده است.^۵ در این میان، بیشتر منابع بر سال ۱۲۸ هـ.ق تأکید کرده‌اند.^۶

۱. محمدبن اسماعیل بخاری، (بی‌تا)، *التاریخ الکبیر*، ج ۲، دیار بکر، المكتبة الاسلامیة، ص ۲۱۰؛ محمدبن عمر کشی، (۱۳۴۸)، *رجال*، تلخیص: محمدبن حسن طوسی، به کوشش حسن مصطفوی، مشهد، انتشارات دانشگاه مشهد، صص ۱۹۵-۱۹۶؛ عبدالکریم‌بن محمد سمعانی، (۱۴۰۸)، *الانساب*، ج ۲، به کوشش عبدالله عمر بارودی، بیروت، دارالجنان، ص ۶۸.

۲. محمدبن حسن طوسی، (۱۴۱۷)، *فهرست*، به کوشش جواد قیومی اصفهانی، قم، مؤسسه نشر الفقه، صفحات ۱۲۹ و ۱۷۶.

۳. محمدبن حسن طوسی، (۱۴۱۵)، *رجال*، به کوشش جواد قیومی اصفهانی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ص ۱۲۹؛ قس. ابن‌قتیبه دینوری، (بی‌تا)، *المعارف*، به کوشش ثروت عکاشة، قاهره، دارالمعارف، صفحات ۴۵۳ و ۴۸۰؛ نک. محمدتقی تستری، (۱۴۱۸)، *قاموس الرجال*، ج ۲، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ص ۵۴۳.

۴. عریب‌بن سعد قرطبی، *صلة تاریخ الطبری*، در: محمدبن جریر طبری، (۱۳۸۷-۱۳۸۲)، *تاریخ الامم و الملوک*، ج ۱۱، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث، ص ۶۴۶.

۵. خلیفة‌بن خیاط عصفری، (۱۴۱۴)، *طبقات*، به کوشش سهیل زکار، بیروت، دارالفکر، ص ۲۷۶؛ *تاریخ الطبری (صلة)*، ج ۱۱، ص ۶۴۶؛ *رجال طوسی*، ص ۱۲۹؛ ابن‌حجر عسقلانی، (۱۴۱۵)، *تقریب التهذیب*، ج ۱، به کوشش مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیة، ص ۱۵۴؛ همو، (۱۴۰۴)، *تهذیب التهذیب*، ج ۲، بیروت، دارالفکر، ص ۴۲.

۶. برای نمونه، نک. ابن‌سعد، (بی‌تا)، *الطبقات الکبری*، ج ۶، بیروت، دارصادر، ص ۳۴۵؛ *التاریخ الکبیر*، ج ۲، ص ۲۱۰؛ *المعارف*، ص ۴۸۰.

جابر بن یزید جعفی و بررسی اتهام غلوّ درباره‌ی وی ۳

بنا بر گزارش نوبختی، «عبدالله بن حارث»، رهبر پیروان «عبدالله بن معاویه طالبی» که پس از قتل او در ۱۲۹ یا ۱۳۱ هـ.ق به این مقام رسید، افکار و اندیشه‌های غالی را مطرح کرد و مدعی شد که جابر جعفی نیز همین آرا و عقاید را داشته است.^۱ شاید لحن این گزارش اشاره‌ای باشد به اینکه در آن زمان، جابر درگذشته بوده است. بدین ترتیب، وفات او در سال ۱۲۸ هـ.ق محتمل‌تر است.^۲

از پدر و مادر و تاریخ ولادت جابر جعفی اطلاع دقیقی در دست نیست. در روایتی منقول از وی، تصریح شده که او در نخستین دیدارش با امام محمدباقر علیه‌السلام، و در زمان امامت ایشان (۹۴-۱۱۴ هـ.ق) جوان بوده است؛^۳ اما این گزارش با روایت وی از صحابه‌ای چون «جابر بن عبدالله انصاری» (متوفی یا متولد ۷۹ هـ.ق) و اکابر تابعین سازگار نیست. از این رو، احتمالاً ولادت او در حدود سال پنجاه بوده است.^۴

او اهل کوفه بود^۵ و به احتمال فراوان در سراسر عمر، جز هجده سالی که بین سال‌های ۹۴ تا ۱۱۴ هـ.ق^۶ برای کسب علم از محضر امام محمدباقر علیه‌السلام در مدینه اقامت نمود،^۷ در کوفه می‌زیست.^۸

۱. حسن بن موسی نوبختی، (۱۳۵۵)، *فرق الشیعه*، به کوشش سید محمدصادق آل بحر العلوم، نجف، المكتبة المرتضویة، صص ۳۴ - ۳۵.

2. See: Hossein Modarressi, (2003), *Tradition and Survival a bibliographical of early shi'ite literature*, vol. 1, Oxford, One World, p. 87.

۳. محمدبن یعقوب کلینی، (۱۳۶۵)، *الکافی*، ج ۱، به کوشش علی‌اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ص ۴۷۲؛ رجال کشی، صص ۱۹۲-۱۹۳.

۴. سید محمدعلی موحد ابطحی، (۱۴۱۷)، *تهذیب المقال*، ج ۵، قم، چاپ سید محمد موحد ابطحی، صص ۴۵-۴۷؛ نک. سید حسن صدر، (۱۳۷۵)، *تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام*، قم، انتشارات اعلی، ص ۲۸۴.

۵. ابن حبان، (بی تا)، *کتاب المجروحین*، ج ۱، به کوشش محمود ابراهیم زاید، مکه، دارالباز، ص ۲۰۸.

۶. از آنجا که دوران شاگردی وی در عصر امامت امام علیه‌السلام (۹۴-۱۱۴ ق) بوده، او باید بین سال‌های ۹۴ تا ۹۶ ق به مدینه رفته باشد. نک. *الکافی*، ج ۱، ص ۴۷۲؛ رجال کشی، صص ۱۹۲-۱۹۳؛ محمدبن حسن طوسی، (۱۴۱۴)، *امالی*، قم، دارالتقافه، ص ۲۹۶.

۷. از زندگی او تا پیش از ورودش به مدینه و درک محضر امام محمدباقر اطلاعات چندانی در دست نیست؛ نعمت‌الله صفری، (۱۳۸۴)، «جابر بن یزید جعفی»، *دانشنامه‌ی جهان اسلام*، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، ج ۹، تهران، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ص ۱۸۱.

۸. *امالی طوسی*، ص ۲۹۶.

در *اختصاص*، روایتی از جابر جعفی نقل شده که آن را می‌توان نه تنها نظر جابر جعفی، بلکه نظر ائمه علیهم‌السلام و شیعیان‌شان درباره‌ی نوع رابطه با حکومت و سلطان جائز دانست. او از امام محمد باقر علیه‌السلام چنین روایت کرده است: «هر کس به نزد سلطان ظالمی برود و او را نصیحت کرده، بیم داده و به تقوای الهی امر کند، برای او است اجر عبادات جن و انس^۱». بر این اساس، گزارشی از همکاری رسمی او با حکومت اموی و عاملان آنان در کوفه وجود ندارد. اما بنا بر گزارش «ابن سعد»، زمانی که «عیسی بن مُسیب بَجَلی»، قاضی «خالد بن عبدالله قسری»^۲ در کوفه بر مسند قضا می‌نشست، جابر جعفی نیز در کنار او قرار می‌گرفت.^۳ نیت وی از این کار، احتمالاً نظارت بر کار قاضی و جلوگیری از ظلم ورزیدن دستگاه اموی به شیعیان کوفه بوده است. برخی اخبار حاکی از آن است که او گاهی قضاوت هم می‌کرده است.^۴

در منابع اشاره شده که «هشام بن عبدالملک اموی» (حک: ۱۰۵-۱۲۵ هـ)^۵ فرمان قتل جابر جعفی را صادر کرده و او با تظاهر به دیوانگی جان خود را نجات داده است.^۶ در برخی گزارش‌های دیگر نیز از دیوانگی و اختلاط (فساد عقل یا عقیده)^۷ جابر سخن به میان آمده،^۸ اما با بررسی همهی این روایات مشخص می‌شود که دیوانگی وی دائم یا حتی

۱. *اختصاص*، (۱۴۱۴)، منسوب به مفید، به کوشش علی‌اکبر غفاری و سید محمود زرنندی، بیروت، دارالمفید، صص ۲۶۱-۲۶۲.

۲. «خالد بن عبدالله بن یزید بن اسد قسری» که هشام بن عبدالملک در سال ۱۰۵ق او را به ولایت کوفه و بصره گمارد و در سال ۱۲۰ق وی را عزل و «یوسف بن عمر ثقفی» را به‌جای او منصوب نمود. وی سلفش، خالد را در ۱۲۶ق زیر شکنجه به قتل رساند؛ *الانساب*، ج ۴، ص ۴۹۷؛ سیدحسین براقی نجفی، (۱۴۲۴)، *تاریخ الکوفه*، تحقیق ماجد احمد عطیه، (بی‌جا)، المکتبه الحیدریه، صص ۲۷۵-۲۷۶.

۳. *الطبقات الکبری*، ج ۶، ص ۳۴۶.

۴. محمد بن خلف بن حیان، (بی‌تا)، *أخبار القضاة*، ج ۳، بیروت، عالم الکتب، صص ۱۲۱-۱۲۲.

۵. ابوحنیفه دینوری، (۱۳۶۸)، *الاخبار الطوال*، به کوشش عبدالمنعم عامر و جمال‌الدین شیال، قم، منشورات الرضی، صفحات ۳۳۴-۳۳۵ و ۳۴۶.

۶. *الکافی*، ج ۱، صص ۳۹۶-۳۹۷؛ *رجال کشی*، صص ۱۹۴-۱۹۵.

۷. سید ابوالقاسم خوئی، (۱۴۱۳)، *معجم رجال الحدیث*، ج ۴، (بی‌جا)، (بی‌نا)، ص ۳۴۴؛ محمدهادی معرفت، (۱۴۱۸)، *التفسیر والمفسرون*، ج ۱، مشهد، الجامعة الرضویة، ص ۴۲۲.

۸. *تهذیب التهذیب*، ج ۲، ص ۴۴.

جابرین یزید جعفی و بررسی اتهام غلوّ درباره‌ی وی ۵

ادواری نبوده، بلکه تنها در دوره‌ای کوتاه، چاره‌ای برای حفظ جان او بوده است.^۱ صاحب روایات استفاده‌ی جابر را از دیوانگی برای حفظ جان خود به امر امام محمد باقر^{علیه‌السلام} و مشابه روش بهلول و مُتَنَبِّی دانسته است.^۲ به نظر خوئی، دیوانگی وی تجنن (خود را به دیوانگی زدن) بوده است. حتی اگر به قول نجاشی، جابر را در دوره‌ای از زندگی‌اش مختلط بدانیم، با وثاقت و لزوم اخذ روایات وی در هنگام اعتدال روانی و سلامت عقیده منافاتی ندارد.^۳

آراء و عقاید جابر^۴

روایات جابر آشکارا نشان می‌دهند که وی شیعه‌ی امامی بوده و نه تنها به اهل بیت^{علیهم‌السلام} علاقه‌ی فراوانی داشته،^۵ بلکه از خلفای پیش از امام علی^{علیه‌السلام} و بنی‌امیه نیز تبری جسته

۱. رجال کشی، صفحات ۱۹۲ و ۱۹۴-۱۹۵؛ احمدبن علی نجاشی، (۱۴۱۶)، رجال، به کوشش سید موسی شبیری زنجانی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ص ۱۲۸؛ حسین نوری طبرسی، (۱۴۱۶)، خاتمه مستدرک الوسائل، ج ۴، قم، آل‌البیت، ص ۲۱۴؛ تهذیب‌المقال، ج ۵، صص ۹۳-۹۸.
۲. سید محمدباقر خوانساری، (۱۴۱۱)، روایات الجنات، بیروت، الدارالاسلامیة، ج ۱، صص ۲۳۶-۲۳۷ و ج ۲، صص ۱۴۲-۱۴۳.
۳. معجم رجال‌الحديث، ج ۴، ص ۳۴۴.
۴. در این بخش، بیشتر به روایات جابر و پس از آن، نظر موافقان و مخالفان درباره‌ی او می‌پردازیم. البته در این امر باید احتیاط کرد، زیرا از سویی، طرفداران افراطی وی مانند غلات خود را بدو منتسب می‌کردند و از سوی دیگر، مخالفان سرسخت و دشمنان غیرشیعه‌ی وی، به او نسبت‌های ناروا می‌دادند و او را به برخی عقاید و آراء متهم می‌کردند.
۵. برای مثال: نک. الاصول ستة عشر، (۱۴۰۵)، قم، دارالنبتی للمطبوعات، صص ۶۰-۶۵؛ احمدبن محمدبن خالد برقی، (۱۳۳۰)، المحاسن، ج ۱، به کوشش سید جلال‌الدین محدث، تهران، دارالکتب الاسلامیة، صفحات ۱۶۸ و ۱۷۱؛ محمدبن حسن صفار، (۱۴۰۴)، بصائر الدرجات، به کوشش حسن کوجه‌باغی، تهران، مؤسسه الاعلمی، صفحات ۶۹ و ۹۵ و ۱۱۰؛ صدوق، (۱۳۸۶)، علل الشرايع، ج ۱، نجف، منشورات المكتبة الحیدریة، صص ۱۳۶-۱۳۷؛ مفید، (۱۴۱۴)، امالی، به کوشش حسین استاد ولی و علی‌اکبر غفاری، بیروت، دارالمفید، صفحات ۷۴ و ۲۱۷؛ ابن‌عساکر، (۱۴۱۵)، تاریخ مدینة دمشق، به کوشش علی شیری، ج ۱۴، بیروت، دارالفکر، ص ۱۷۰، و ج ۴۲، ص ۲۴۲؛ عامه و خاصه روایاتی از او درباره‌ی وجوب صلوات بر پیامبر و خاندانش در هر نماز واجب نقل کرده‌اند؛ محمدبن محمد نیشابوری کرابیسی، (۱۴۰۵)، شعار اصحاب‌الحديث، به کوشش عبدالعزیز بن محمد سرحان، کویت، دارالخلافة، [چاپ مجدد] بیروت، دارالبشائر الاسلامیة، ص ۱۰۸؛ ابن‌عبدالبر، (۱۳۸۷)، التمهید، ج ۱۶، به کوشش مصطفی‌بن

است.^۱ بعضی از معاصرانش نیز به شیعه بودن وی تصریح کرده‌اند.^۲ برخی از بزرگان اهل تسنن نیز او را از برجسته‌ترین علما و رؤسای شیعه معرفی کرده‌اند.^۳ جابر بن یزید اعتقاد راسخی به امامت امام محمد باقر علیه‌السلام داشت. وی با عنوان «سیدنا الامام» از آن حضرت یاد کرده و امام علیه‌السلام را دریایی می‌داند که هرگز نمی‌توان به قعر آن راه یافت.^۴ هنگام نقل حدیث از ایشان چنین می‌گوید: «شنیدم از وصی اوصیا و وارث علم انبیاء^۵ محمد بن علی بن الحسین علیه‌السلام». بنا بر روایتی، عمرو بن شمر، از جابر جعفی، علت ملقب شدن امام پنجم علیه‌السلام به «باقر» (شکافنده) را جویا شده و او در پاسخ گفته است: «زیرا او دانش را به خوبی شکافت و آن را شاخه‌شاخه کرد و آشکار ساخت. از جابر بن عبدالله انصاری شنیدم که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به او فرمود: «ای جابر! تو باقی می‌مانی تا فرزندم محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی‌طالب را ببینی. او کسی

-
- احمد علوی و محمد عبدالکبیر بکری، مغرب، وزارة عموم الاوقاف و الشؤون الاسلامية، ص ۱۹۵؛ محمد بن حسن طوسی، (۱۴۰۷)، *الخلاف*، ج ۱، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ص ۳۷۳.
۱. برای مثال: نک. محمد بن مسعود عیاشی، (بی‌تا)، *تفسیر*، ج ۲، به کوشش سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، المكتبة العلمية الاسلامية، صفحات ۵۰ و ۸۴؛ محمد بن ابراهیم نعمانی، (۱۴۲۲)، *الغیبة*، به کوشش فارس حسون کریم، قم، انوارالهدی، ص ۱۳۱؛ از او روایتی درباره‌ی لعن بنی‌امیه پس از هر نماز واجب نقل شده است؛ محمد بن حسن طوسی، (۱۳۶۵)، *تهذیب الاحکام*، ج ۲، به کوشش سید حسن موسوی خراسان، تهران، دارالکتب الاسلامية، صفحات ۱۰۹ و ۳۲۱.
۲. *رجال کشی*، ص ۱۹۵.
۳. شمس‌الدین ذهبی، (۱۳۸۲)، *میزان الاعتدال*، ج ۱، به کوشش علی محمد بجاوی، بیروت، دارالمعرفة، ص ۳۷۹؛ محمدحسین ذهبی، (۱۳۹۶)، *التفسیر و المفسرون*، ج ۲، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ص ۳۸؛ نک. عبدالجلیل قزوینی رازی، (۱۳۵۸)، *بعض مطالب النواصب*، چاپ میرجلال‌الدین محدث ارموی، تهران، انجمن آثار ملی، ص ۲۳.
۴. *امالی طوسی*، ص ۲۹۶.
۵. وصی‌الاصیاء و وارث علم‌الانبیاء، همان تعبیری است که پیش از جابر، مالک اشتر، درباره‌ی امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام به‌کار برد؛ احمد بن ابی‌یعقوب یعقوبی، (بی‌تا)، *تاریخ*، ج ۲، بیروت، دارصادر؛ چاپ افسست: قم، مؤسسه‌ی نشر فرهنگ اهل بیت (علیهم‌السلام)، ص ۱۷۹.
- See. S. Husain M. Jafri (1981), *The Origins and Early Development of shi'a Islam*, London and New York, Longman, p. 92-93.
۶. *رجال کشی*، ص ۱۹۲؛ مفید، (۱۴۱۴)، *ارشاد*، ج ۲، بیروت، دارالمفید، ص ۱۶۰.

جابرین یزید جعفری و بررسی اتهام غلو درباره‌ی وی ۷

است که در تورات به باقر معروف است. پس هنگامی که او را ملاقات نمودی، سلام مرا به وی برسان^۱». این پاسخ نیز نشان‌دهنده‌ی اعتقاد و شدت ارادت وی به امام محمد باقر علیه‌السلام است.^۲

رابطه‌ی او با امام محمد باقر علیه‌السلام چنان بود که «لالانی»، او را نماینده‌ی امام علیه‌السلام در کوفه معرفی کرده است.^۳ «ابن شعبه حرّانی»، دو وصیت امام محمد باقر علیه‌السلام را به جابر جعفری نقل کرده که نشان‌دهنده‌ی جایگاه والای او نزد امام علیه‌السلام است.^۴ وی، چنانکه خود روایت می‌کند، صفات شیعه‌ی راستین را از امام محمد باقر علیه‌السلام فرا گرفت^۵ و پس از وفات آن بزرگوار، به امامت امام جعفر صادق علیه‌السلام اعتقاد داشت؛^۶ چنانکه «ابن شهر آشوب»، نام وی را در کنار افرادی چون «زید شحام»، «ابو حمزه‌ی ثمالی» و... در شمار خواص اصحاب امام صادق علیه‌السلام ذکر کرده است.^۷ سید علی عقیقی علوی از «حسین بن ابی العلاء» و «ابن عقده» از «زیاد بن ابی الحلال»، روایتی را از امام صادق علیه‌السلام در تأیید او نقل کرده‌اند.^۸

۱. *علل الشرایع*، ج ۱، صص ۲۳۳-۲۳۴.
۲. احترام فراوان وی به امام محمد باقر علیه‌السلام در روایات منقول از وی نیز آشکارا به چشم می‌خورد: نک. محمد بن جعفر مشهدی، (۱۴۱۹)، *المزار*، به کوشش جواد قیومی اصفهانی، قم، نشر قیوم، ص ۳۶۴.
۳. ارزینا لالانی، (۱۳۸۱)، *نخستین اندیشه‌های شیعی*، ترجمه‌ی فریدون بدره‌ای، تهران، فرزاد روز، ص ۱۴۸.
۴. ابن شعبه حرّانی، (۱۴۰۴)، *تحف العقول*، به کوشش علی‌اکبر غفاری، قم، مؤسسه‌ی النشر الاسلامی، صص ۲۸۷-۲۸۴.
۵. *الکافی*، ج ۲، صص ۷۴-۷۵؛ نعمان مغربی، (۱۴۱۴)، *شرح الاخبار*، ج ۳، به کوشش سید محمد حسینی جلالی، قم، مؤسسه‌ی النشر الاسلامی، صص ۵۰۱-۵۰۲؛ نک. *امالی طوسی*، ص ۲۹۶.
۶. *میزان الاعتدال*، ج ۱، ص ۳۸۱.
۷. ابن شهر آشوب مازندرانی، (۱۹۵۶)، *مناقب آل ابی طالب*، ج ۳، نجف، مطبعة حیدریه، ص ۴۰۰.
۸. *بصائر الدرجات*، صص ۴۷۹-۴۸۰؛ *اختصاص*، ص ۲۰۴؛ *رجال کشی*، صص ۱۹۱-۱۹۲؛ حسن بن یوسف حلی، (۱۴۱۷)، *خلاصة الاقوال*، به کوشش جواد قیومی اصفهانی، قم، نشر الفقه‌یة، ص ۹۴؛ نک. عبدالله مامقانی، (بی تا)، *تنقیح المقال*، ج ۱، طبع قدیم به خط احمد بن محمد حسین زنجانی، بی جا، بی تا، ص ۲۰۳؛ ابوظالب تجلیل تبریزی، (بی تا)، *معجم الثقات*، به کوشش سید حسین موسوی، قم، مطبعة مهر استوار، ص ۲۵.

۸ مطالعات تاریخ فرهنگی، شماره ۷

روایات و نیز عناوین آثار جابر^۱ گواه اعتقادات شیعی^۲ و نشان‌دهنده‌ی توجه فراوان او به فضائل و اخبار اهل بیت^{علیهم‌السلام} و خصوصاً امیرالمؤمنین علی^{علیه‌السلام}^۳ است. او از روایان حدیثی است که اعتقاد به ولایت امام علی^{علیه‌السلام} را شرط قبولی اعمال می‌داند.^۴

جابر از معتقدان به رجعت بود^۵ و بر اساس نقل «ابن جُحام» (زنده در ۳۲۸ هـ.ق) امام علی^{علیه‌السلام} را همان «دَابَّةُ الارض»^۶ یادشده در قرآن^۷ می‌دانست که در آستانه‌ی قیامت ظاهر خواهد شد.^۸ و^۹ در میان روایات وی، روایات فراوانی نیز درباره‌ی ملاحم و

1. See. *Tradition and Survival...*, Vol. 1, pp. 94-103.

۲. برای مثال، برای روایت هجوم به بیت حضرت زهرا^{سلام‌الله‌علیها}، نک. محمدبن جریر طبری صغیر، (۱۴۱۳)، *دلائل الامامة*، قم، مؤسسة البعثة، صص ۱۰۳-۱۰۴؛ برای روایت خطبه فدکیه، نک. ابن ابی‌الحدید، (۱۳۳۷)، *شرح نهج البلاغه*، ج ۱۶، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، کتابخانه عمومی آیه‌الله‌العظمی مرعشی نجفی، صص ۲۱۰-۲۱۵؛ برای روایت زیارت امین‌الله، نک. محمدبن حسن طوسی، (۱۴۱۱)، *مصباح المتجهد*، بیروت، مؤسسة فقه الشیعة، صص ۷۳۸-۷۳۹.

۳. درباره‌ی فضائل علی^{علیه‌السلام} برای نمونه، نک. *بصائر الدرجات*، صفحات ۱۱۵، ۲۰۲ و ۲۰۷-۲۰۸؛ *الکافی*، ج ۸، ص ۱۵۹؛ حسن بن ابی‌الحسن دیلمی، (۱۴۲۷)، *غرر الاخبار و درر الآثار*، به کوشش اسماعیل ضیغم همدانی، قم، دلیل ما، صفحات ۲۱۲ و ۳۰۴؛ درباره‌ی اخبار مرتبط با امام علی^{علیه‌السلام} : نک. روایتی درباره‌ی نقش خاتم علی^{علیه‌السلام}، *الطبقات الکبری*، ج ۳، ص ۳۱؛ و روایتی درباره‌ی قضاوتی نادر از امیرالمؤمنین علی^{علیه‌السلام}، *شرح الاخبار*، ج ۲، صص ۳۲۲-۳۲۳؛ برای روایت خطبه جمعه امام علی^{علیه‌السلام}، نک. *مصباح المتجهد*، صص ۳۸۴-۳۸۵.

۴. سید رضی‌الدین بن طاووس، (۱۳۹۹)، *الطرائف*، قم، چاپخانه خیام، صص ۱۵۶-۱۵۷.

۵. یحیی بن معین، (بی‌تا)، *تاریخ*، ج ۱، به کوشش عبدالله احمد حسن، بیروت، دارالقلم، ص ۲۰۷؛ ابن‌قتیبه دینوری، (بی‌تا)، *تأویل مختلف‌الحديث*، بیروت، دارالکتب العلمیة، ص ۱۷؛ *تفسیر عیاشی*، ج ۲، صص ۲۵۶-۲۵۷؛ حسن بن سلیمان حلی، (بی‌تا)، *مختصر بصائر*، نجف، المطبعة الحیدریة، چاپ مجدد: قم، انتشارات الرسول المصطفی (صلی الله علیه وآله وسلم)، صفحات ۱۷-۱۸، ۲۶، ۲۹ و ۳۷-۳۸.

۶. درباره‌ی دابة الارض، نک. *مختصر بصائر*، صص ۲۰۶-۲۱۰؛ محمدباقر مجلسی، (۱۴۰۳)، *بحارالانوار*، ج ۵۳، به کوشش محمدباقر بهبودی و عبدالرحیم ربانی شیرازی و دیگران، بیروت، مؤسسة الوفاء و دار احیاء التراث العربی، صص ۱۱۰-۱۱۳، ۱۲۴-۱۲۶.

۷. قرآن کریم، نمل/ ۸۲.

۸. ابن جحام، (۱۴۲۰)، *تأویل ما نزل...*، به کوشش فارس حسون، قم، الهادی، صص ۲۱۱-۲۱۵.

۹. نک. محمدبن عمرو عقیلی، (۱۴۱۸)، *الضعفاء الکبیر*، ج ۱، به کوشش عبدالمعطی امین قلجعی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ص ۱۹۴.

جابر بن یزید جعفی و بررسی اتهام غلو دربارہی وی ۹

فتن،^۱ مہدویت و علائم ظهور حضرت قائم عجل الله فرجه و الشریف^۲ دیدہ می شود کہ نشان دہندہی ایمان و توجہ ویژه وی بہ این آموزہی اعتقادی پیامبر صلی الله علیہ وآلہ و امامان معصوم علیہم السلام تواند بود.^۳ گفتنی است جابر از بازگویی برخی معارف مرتبط با مہدویت پرهیز می کرد، زیرا کشش و توانایی درک این مباحث را در مخاطبانش نمی دید.^۴ گاہی جابر مطالبی را بیان می کرد کہ عقول مردم ہم عصرش تاب شنیدن نداشت.^۵ بہ گزارش کشی، در سال ۱۲۶ ہق وقتی «ولید بن یزید بن عبدالملک» بہ قتل رسید،^۶ جابر جعفی عمامہی خز سرخ رنگی بر سر نہاد و بہ مسجد رفت و در مقابل جمعیت چنین گفت: «شنیدم از وصی اوصیا و وارث علم انبیا محمد بن علی». مردم کہ انتظار شنیدن چنین کلامی را نداشتند، گفتند جابر دیوانہ شدہ است.^۷ از «ابوالاحوص»^۸ نقل شدہ کہ گفتہ است، ہر گاہ از کنار جابر جعفی می گذشتم، از خدا طلب عافیت می کردم.^۹ شافعی نیز از «سفیان بن عیینہ» نقل کردہ است کہ از جابر کلامی شنیدم کہ ترسیدم در اثر آن، سقف بر سرمان خراب شود.^{۱۰} کلامی کہ سفیان بن عیینہ از جابر شنید و پس از آن، دیگر از جابر روایت نکرد، این بود کہ علم

۱. نعیم بن حماد در کتاب *الفتن*، اخبار فراوانی از امام محمد باقر علیہ السلام آورده کہ ہمہی آنها بہ واسطہ سعید ابو عثمان از جابر جعفی است؛ برای مثال، نک. نعیم بن حماد، (۱۴۱۴)، *الفتن*، بہ کوشش سہیل زکار، بیروت، دارالفکر، صص ۱۱۸، ۱۲۹-۱۳۰، ۱۶۵، ۱۷۱ و ۱۷۴.
۲. برای نمونہ نک. *تفسیر عیاشی*، ج ۱، صفحات ۶۱ و ۲۴۴-۲۴۵، ج ۲، صفحات ۷۶ و ۳۲۶؛ *الغیبة نعمانی*، صفحات ۲۸۸-۲۹۱ و ۳۱۴ و ۳۵۴.
۳. او از راویان حدیث مشہوری است کہ غیبت قائم عجل الله فرجه الشریف را بہ خورشید پس ابر تشبیہ می کند؛ صدوق، (۱۴۰۵)، *کمال الدین*، بہ کوشش علی اکبر غفاری، قم، مؤسسۃ النشر الاسلامی، ص ۲۵۳؛ برای روایتی از وی در باب اوصاف مہدی عجل الله فرجه الشریف، نک. *الارشاد*، ج ۲، ص ۳۸۲.
۴. *تہذیب التہذیب*، ج ۲، ص ۴۳.
۵. علی خاقانی، (۱۴۰۴)، *رجال*، بہ کوشش سید محمد صادق بحر العلوم، قم، مکتب الإعلام الاسلامی، ص ۵۶؛ *التفسیر والمفسرون*، ج ۱، صص ۴۲۲-۴۲۳.
۶. نک. محمد بن جریر طبری، (۱۳۸۲-۱۳۸۷)، *تاریخ الامم و الملوک*، ج ۷، بہ کوشش محمد ابوالفضل ابراہیم، بیروت، دار التراث، ص ۲۳۱؛ *قاموس الرجال*، ج ۲، صص ۵۴۳-۵۴۴.
۷. *رجال کشی*، ص ۱۹۲.
۸. ابوالاحوص سلام بن سلیم حنفی کوفی (م ۱۷۹ ہق) از حفاظ حدیث کہ رجالیان اہل تسنن او را توثیق کردہ اند؛ شمس الدین ذہبی، (بی تا)، *تذکرۃ الحفاظ*، ج ۱، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ص ۲۵۰.
۹. *میزان الاعتدال*، ج ۱، ص ۳۸۱.
۱۰. ابن عبدالبر، (بی تا)، *الاتقاء*، بیروت، دار الکتب العلمیة، ص ۸۰.

رسول الله صلى الله عليه وآله به علی علیه السلام و از وی به حسن علیه السلام و از او به حسین علیه السلام و از امامی به امام دیگر منتقل شده تا اینکه به جعفر بن محمد علیه السلام رسیده است.^۱ او می‌توان گفت جابر جعفی، اعتقاد به علم لدنی ائمه علیهم السلام را از امام محمد باقر علیه السلام آموخته است.^{۳ و ۴}

به دلیل توجه جابر به بطون آیات و احادیث^۵ که در برخی از روایات و اقوال منقول از او نیز تصریح شده،^۶ غالیان وی را از پیشکسوتان خویش^۷ و کسی می‌دانستند که از اسرار،

۱. میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۳۸۱.

۲. در این باره ابوبکر حمیدی از سفیان بن عیینه چنین نقل کرده است: «از جابر حدود سی هزار حدیث شنیدم که روا نمی‌دانم یکی از آنها را نقل کنم»؛ مسلم نیشابوری، (بی‌تا)، الجامع الصحیح، ج ۱، بیروت، دارالفکر، ص ۱۶.

۳. بنا بر نقلی از عمرو بن شمر، جابر روزی از امام محمد باقر علیه السلام خواست احادیث خود را مستنداً برای او نقل کند و امام علیه السلام فرمود: «تمام احادیثی که برای تو می‌گویم به این سند است: شنیدم از پدرم، از جدم، از رسول الله صلى الله عليه وآله، از جبرئیل، از خداوند عزوجل. ای جابر! یک حدیث که از فردی صادق بشنوی، برای تو از دنیا و آن چه در آن است، بهتر می‌باشد»؛ مالی مفید، ص ۴۲.

۴. ابوالجارود نیز تحت تأثیر تعالیم امام محمد باقر علیه السلام به علم لدنی ائمه علیهم السلام باور داشت. نک. ماهر جرار، (۱۳۸۴)، «تفسیر ابوالجارود زبایدین منذر: مقدمه‌ای در شناخت عقاید زیدیه»، ترجمه‌ی محمدکاظم رحمتی، آینه پژوهش، شماره ۹۵، صص ۲۰ و ۳۱.

۵. احتمالاً امام محمد باقر علیه السلام او را به توجه به بطون آیات و روایات تشویق و ترغیب کرده است؛ بنا بر روایت برقی، روزی جابر از تفسیر آیه‌ای از امام محمد باقر علیه السلام پرسش نموده و امام علیه السلام به او پاسخ داده و پس از مدتی بار دیگر از همان آیه پرسیده و جواب دیگری شنیده است. وقتی جابر علت این اختلاف را از امام جوینا می‌شود، امام علیه السلام به او می‌فرماید: «قرآن باطنی دارد و باطن آن نیز باطنی دارد و قرآن ظاهری دارد و آن ظاهر، ظاهر دیگری دارد. هیچ چیز دورتر از خرد آدمیان در تفسیر قرآن نیست...». در روایتی دیگر از جعفر بن محمد بن شریح حضرمی، امام محمد باقر علیه السلام به جابر فرموده است: «حدیث ما دشوار و دشوار شده (صعب مستصعب) است. ایمان نمی‌آورد بدان مگر فرشته مقرب یا نبی مرسل یا بنده‌ای که خداوند قلبش را به ایمان امتحان کرده است. اگر آن را فهمیدید، بپذیرید و اگر نفهمیدید آن را به ما واگذار کنید»؛ نک. الاصول الستة عشر، صص ۶۰-۶۱؛ المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۰؛ رجال کشی، صص ۱۹۳-۱۹۴؛ درباره‌ی حدیث دشوار بودن فهم کلام آل محمد صلى الله عليه وآله، نک. بصائر الدرجات، صص ۴۰-۴۵؛ بحار الانوار، ج ۲، صص ۱۸۲-۲۱۲؛ غالیان از این‌گونه احادیث سوء استفاده کرده‌اند؛ نک. طبرانی نصیری، مجموع الاعیاد، در:

Maimun Ibn el-Kasim Tiberias, (1946), "Festkalender der Nusairier", by R.Strothman, *Der Islam*, Vol XXVII, p. 5;

ام‌الکتاب، در: "Ummul-kitab", (1936), edited by W.Ivanow, *Der Islam*, p. 1.

۶. برای مثال، نک. تفسیر عیاشی، ج ۱، صص ۴۹-۵۰.

7. See. *The Origins and Early Development...*, p. 302-303.

علوم الهی و مقامات معنوی و فوق انسانی امامان علیهم السلام آگاہ بود. یکی از مشهورترین گزارش‌های مورد توجه غالیان، درباره‌ی جابر چنین می‌گوید: وی بسیاری از احادیث خود را برای دیگران نقل نکرد و از سوی امامان علیهم السلام دستور داشت بسیاری از آنچه را که از ایشان شنیده بود برای مردم آشکار نسازد؛^۲ یا آنکه سر خود را در چاهی در بیابان فرو برده، اسرار خویش را در چاه بازگوید.^۳ و^۴ بعید نیست که این گزارش نیز از ساخته‌های غالیان باشد؛^۵ زیرا روایان آنها، افرادی مانند «یونس بن ظبیان، ابوجمیلہ مفضل بن صالح و عمرو بن شمر» هستند که همه در شمار ضعفا و متهمان به غلو و تفویض‌اند.^۶

البته، برخی روایات جابر با آنکه در حد ذات و صفات غلو نمی‌کند، مستعد سوءاستفاده‌ی غالیان است.^۷ هر چند به دلیل ضعیف بودن بیشتر روایان احادیث او و انتساب روایات ساختگی به وی از سوی غلات، نمی‌توان به صدور این روایات از جابر حکم قطعی داد،^۸ روایات فراوانی درباره‌ی معجزات پیامبر صلی الله علیه و آله و کرامات امامان علیهم السلام از وی نقل شده است که بسیاری از آنها در میان روایات شیعی، غیرمعمول به نظر می‌رسد.^۹ و^{۱۰} جالب آنکه، «زیاد بن ابی‌الحلال»، از روایان متقدم، برخی روایات جابر

۱. نک. سید محمدباقر صدر، (۱۴۱۷)، بحوث فی علم‌الاصول، ج ۱، به کوشش سید محمود هاشمی [شاه‌رودی]، قم، مرکز‌الغدير للدراسات الاسلامیة، ص ۲۸۵؛ ونیز:

Tradition and Survival..., Vol. 1, p. 89.

۲. نک. کمال‌الدین، ص ۲۵۳؛ رجال کشی، صص ۱۹۲-۱۹۴؛ اختصاص، صص ۲۷۱-۲۷۲.

۳. الکافی، ج ۸، ص ۱۵۷-۱۵۸؛ رجال کشی، ص ۱۹۴.

4. Tradition and Survival..., Vol. 1, p. 89.

5. The Origins and Early Development..., p. 303.

۶. محمدبن عمر کشی، (۱۴۰۴)، رجال، تصحیح و تعلیق میرداماد استرآبادی، به کوشش سید مهدی رجائی، قم، مؤسسه آل‌البیت (ع) لاحیاء التراث، صص ۴۴۷-۴۴۸؛ رجال نجاشی، صفحات ۱۲۸ و ۲۸۷؛ خلاصه‌الاقوال، ص ۴۱۹.

۷. برای مثال، روایت سفر سه ساعته‌ی او با امام محمدباقر علیه‌السلام به «ملکوت ارض»، بصائرالدرجات، صص ۴۲۴-۴۲۵؛ مناقب آل ابی‌طالب، ج ۳، ص ۳۲۶؛ برای نمونه‌هایی دیگر از این روایات، نک. الکافی، ج ۱، صفحات ۳۹۶ و ۴۴۲؛ غرر‌الآخبار و درر‌الآثار، صص ۲۰۳-۲۰۴؛ خاتمه مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۲۱۳.

۸. نخستین اندیشه‌های شیعی، صص ۱۴۹-۱۵۰.

9. Tradition and Survival..., Vol. 1, p. 89-90.

۱۰. برای نمونه‌هایی از روایات او درباره معجزات پیامبر صلی الله علیه و آله و کرامات امامان علیهم السلام و برخی از خواص اصحاب آنان، نک. الکافی، ج ۱، ص ۳۹۶؛ رجال کشی، صص ۱۴-۱۵؛ دلائل الامامة، صفحات ۹۳-۹۲، ۱۰۳-۱۰۴، ۲۱۲، ۲۲۰، ۲۲۴-۲۲۶ و ۲۴۲؛ مناقب آل ابی‌طالب، ج ۲، ص ۱۲۰.

را «عاجیب» نامیده،^۱ و از «عبدالرحمن بن شریک نخعی» نقل شده است که گفت: «نزد پدرم ده هزار حدیث غریب از جابر جعفی است.»^۲ و^۳

میزان مسئولیت واقعی جابر در زمینه‌ی روایات باطنی و غلوآمیز منسوب بدو، هر اندازه باشد، برخی علمای بعدی شیعه، از جمله شخصیت‌های بارزی چون شیخ مفید و شاگردش، نجاشی را بر آن داشت تا نه تنها در روایات او، بلکه در عقیده‌ی شخصی او هم تردید کنند و او را «مختلط» (فاسدالعقیده و منحرف) بخوانند.^۴ تردیدهای دیگری هم درباره‌ی روایات وی، از دوران متقدم در میان شیعه وجود داشت.^۵ وجود این روایات سبب شده است که برخی همچون سید حسین محمد جعفری، جابر را شبه‌غالی بدانند؛^۶ یا مانند «راجکوفسکی»،^۷ او را از غالیان نیمه‌افراطی بدانند.^۸ عده‌ای نیز او را به‌صراحت غالی معرفی کرده‌اند.^۹ و^{۱۰} با وجود این، جابر را نمی‌توان فاسدالعقیده یا غالی دانست،^{۱۱} زیرا هیچ‌یک از تعابیر تند ائمه علیهم‌السلام درباره‌ی غالیان دیگر در منابع گوناگون، نسبت به او

۱. بصائرالدرجات، ص ۲۵۸.

۲. میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۲۷۰.

۳. صاحب روضات، او را در بیان اسرار و اظهار عجائب فراوان، با حسین بن منصور حلاج مقایسه کرده است؛ روضات الجنات، ج ۳، ص ۱۰۵.

۴. نک. رجال نجاشی، ص ۱۲۸.

۵. بصائرالدرجات، صفحات ۲۵۸ و ۴۷۹-۴۸۰؛ محمدبن عمر کشی، (۱۳۴۸)، رجال، [تلخیص] محمدبن حسن طوسی، به کوشش حسن مصطفوی، مشهد، انتشارات دانشگاه مشهد، صفحات ۱۹۱-۱۹۲ و ۳۷۳؛ اختصاص، ص ۲۰۴؛ شایان ذکر است که در بصائرالدرجات، ص ۲۵۸، نام مغیره بن سعید به مغیره بن شعبه، تصحیف شده است.

6. *The Origins and Early Development...*, pp. 301-303.

7. W. Rajkowski.

۸. نخستین اندیشه‌های شیعی، صص ۱۰۷-۱۰۸.

9. Farhad Daftari (1992), *The Ismailis: Their history and doctrines*, Cambridge: Cambridge University Press, p. 88; E. Kohlberg (1993), "Muhammad b. 'Alī Zayn al-Ābidīn, Abū Dja'far, called al-Bākir", *EI2*, VII, p. 399.

۱۰. محمدکاظم رحمتی، (فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۵)، «مفضل بن عمر جعفی و کتاب الصراط منسوب به او»، کتاب ماه دین، شماره‌های ۱۰۲ و ۱۰۳، ص ۲۹؛ قس. همو، (خرداد، تیر و مرداد ۱۳۸۵)، «نگاهی به

کتاب الغنوصیه فی الاسلام»، کتاب ماه دین، شماره‌های ۱۰۴، ۱۰۵ و ۱۰۶، ص ۴۲.

۱۱. نک. تهذیب المقال، ج ۵، صص ۹۸-۱۰۰.

جابرین یزید جعفری و بررسی اتهام غلو دربارہی وی ۱۳

ذکر نشده است.^۱ برخی از فرقه‌نگاران متقدم شیعه، او را از اتهام غلو مبرا دانسته‌اند^۲ و در میان رجالیان شیعه، حتی کسانی که جابر را تضعیف کرده‌اند، او را به صراحت غالی نخوانده‌اند.^۳ افزون بر این، چنان‌که پیشتر گفته شد، روایتی از امام صادق^{علیه‌السلام} در مدح وی و تأیید عقیده‌اش وجود دارد.^۴ در کافی روایتی هست که به وضوح نشان می‌دهد برخی روایات جابر برای عامه‌ی مردم و حتی شیعیان آن روزگار، پذیرفتنی نبود؛ اما وقتی به یکی از ائمه^{علیهم‌السلام} رجوع می‌کردند و از برخی روایات جابر می‌پرسیدند، امام^{علیه‌السلام} به صدق جابر گواهی می‌داد.^۵

از مهم‌ترین علل غالی دانستن جابر جعفری، وجود اخبار حاوی غلو و ارتفاع در روایات منسوب به اوست؛ حال آنکه غلات برای مشروع جلوه دادن اعتقاداتی چون تناسخ، اشباح و اظله، دور و... روایاتی را به نقل از اصحاب نامدار ائمه^{علیهم‌السلام}، چون جابرین عبدالله انصاری، جابرین یزید جعفری و... جعل می‌کردند و منتشر می‌ساختند. بدین سبب، عده‌ای احادیث سراسر مجعول غلات را روایات و اقوال خود جابر جعفری پنداشته و او را مختلط یا غالی معرفی کرده‌اند.^۶ شاید دلیل توجه بیشتر غالبان به جابر، از میان اصحاب امام محمد باقر^{علیه‌السلام}، حضور او در کوفه، مرکز و کانون غلو در آن دوران و معاصر بودن او با غالبانی چون «مغیره بن سعید، بیان بن سمعان، ابومنصور عجلی» و... باشد.^۷

درباره‌ی غالی دانستن جابر و سوءاستفاده‌ی غلات از شخصیت و اخبار او، کلام محمدتقی مجلسی، شایان ذکر است:

۱. برای نمونه‌هایی از تعابیر ائمه^{علیهم‌السلام} در مورد غالبانی چون مغیره بن سعید، بیان، ابومنصور و ابوالخطاب، نک. رجال کشی، صفحات ۱۹۲، ۲۲۳، ۲۹۵، ۳۰۱-۳۰۴ و ۵۲۸-۵۲۹.
۲. فرق الشیعه، صص ۳۴-۳۵.
۳. ابوعلی حائری، (۱۴۱۶)، منتهی المقال، ج ۲، قم، مؤسسه آل‌البیت^{علیهم‌السلام} لاحیاء التراث، صص ۲۱۸-۲۱۹.
۴. رجال کشی، صص ۱۹۱-۱۹۲.
۵. الکافی، ج ۱، ص ۳۰۷؛ و نیز نک. بصائر الدرجات، صص ۴۷۹-۴۸۰.
۶. فرق الشیعه، صص ۳۴-۳۵.
۷. در این باره، نک. نعمت‌الله صفری، (۱۳۷۸)، غالبان، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، صص ۹۳-۹۹؛ مریم قبادی و محمدعلی مهدوی‌راد، (۱۳۸۶)، «بازشناسی اندیشه‌ی غلو»، مطالعات اسلامی، شماره‌ی ۷۸، ص ۱۱۵.

از تتبع در اخبار جابر جعفری فهمیده می‌شود که او از اصحاب اسرار صادقین علیهم‌السلام بوده و کراماتی را بیان می‌کرده که عقول ضعفا تاب درک آن نداشته، بنابراین بعضی او را غالی دانسته و دو گروه بدو افترا زده‌اند: عامه و غلات.^۱

به‌نظر خاقانی نیز جابر از اتهام غلو^۲ مبرا است و اینکه بعضی او را غالی دانسته‌اند، از برخی روایات ناشی می‌شود که متضمن مطالب بالاتر از عقول اغلب مردم است.^۳ همچنین محمدهادی معرفت معتقد است که جابر درباره‌ی جایگاه و شأن ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام عقیده‌ای راسخ و متعالی داشت و به همین سبب در زمره‌ی غلات محسوب شده است.^۴ مؤید این نظر، روایتی از امام صادق^{علیه‌السلام} است که در آن، امام^{علیه‌السلام} «ذریح^۵ مُحارَبی» را از نقل احادیث جابر برای «سَفَلَه»^۶ بر حذر داشته‌اند.^۷ و مامقانی این روایت را نه ذمّ جابر، بلکه مدح او می‌داند، زیرا عالم به معارف و حقایقی است که سفله از درک آن عاجزند.^۸

شاید مهم‌ترین تضعیف‌کننده‌ی جابر در میان رجالیان شیعه، نجاشی باشد که او را مختلط خوانده است.^۹ چنان‌که پیش از این گفتیم، از سیاق کلام نجاشی می‌توان فهمید که مراد او از اختلاط، بیشتر فساد عقیده و انحراف به سمت غلو^{۱۰} است و نه فساد عقل. محدث نوری و موحد ابطحی که کتاب نجاشی را تشریح کرده‌اند، از این کلام نجاشی تعجب کرده، نوشته‌اند:

۱. منتهی المقال، ج ۲، صص ۲۱۷-۲۱۸.

۲. رجال خاقانی، ص ۵۶.

۳. التفسیر و المفسرون، ج ۱، ص ۴۲۲. نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۴. مردمان سست‌اعتقاد و مستضعف فکری؛ نک. سید محمدباقر میرداماد استرآبادی، (۱۴۰۴)، التعلیقه علی اختیار معرفة الرجال، ج ۲، در: محمدبن حسن طوسی، اختیار معرفة الرجال، به کوشش سید مهدی رجائی، قم، مؤسسه آل‌البیت (علیهم‌السلام) لاحیاء التراث، صص ۴۳۷-۴۳۸.

۵. رجال کشی، صص ۱۹۳ و ۳۷۳.

۶. برای روایتی مشابه از امام صادق^{علیه‌السلام} خطاب به مفضل، نک. رجال کشی، ص ۱۹۲.

۷. تنقیح المقال، ج ۱، صص ۲۰۳-۲۰۴.

۸. رجال نجاشی، ص ۱۲۸؛ بنابراین سخن لالانی که مقام جابر جعفری، به‌عنوان محدث، در حوزه‌ها و محافل غیر شیعی هر چه بوده باشد، کمترین تردیدی در میان محدثان شیعی نیست که وی شخصیتی مبرز داشته و از پیروان پرشور امام محمد باقر^{علیه‌السلام} بوده است، صحیح به نظر نمی‌رسد؛ نخستین اندیشه‌های شیعی، ص ۱۴۹.

جابرین یزید جعفری و بررسی اتهام غلو در باره وی ۱۵

عجیب است که نجاشی به اشعاری که استادش، مفید درباره‌ی اختلاط جابر خوانده است، استناد می‌کند، ولی اعتماد مفید و سایر مشایخ مانند کلینی، صدوق، طوسی و دیگران را به روایات او، روایات فراوان وی را در کتب متقدم، و احادیث وارد شده در مدح وی را نادیده می‌گیرد.^۱

دلیل دیگری که پذیرش کلام نجاشی را دشوار می‌سازد این است که او به اشعار استادش، مفید، استناد می‌کند^۲ و سند دیگری ارائه نمی‌دهد جز اینکه روایان احادیث او ضعیف هستند.^۳ اما خود مفید در رساله‌ی عددیه، جابرین یزید را از فقهای می‌داند که طعن و ذمی بر آنان وارد نیست.^۴ همچنین، عبدالجلیل قزوینی رازی که از پیروان مکتب مفید است، جابر را از روات و ثقات ائمه علیهم‌السلام معرفی کرده است.^۵

محدث نوری و مامقانی در حلّ این تعارض گفته‌اند که ممکن است، مفید این اشعار را از باب حکایت و نه اعتقاد به صدق مضمون آن خوانده باشد. به نظر وی، شاید این اشعار به مطالبی اشاره داشته است که ضعیف به جابر نسبت داده‌اند؛ بنابراین ضعیفی متوجه جابر نمی‌شود و چنان‌که متذکر شده‌اند، به هر حال، شاعری که این اشعار را سروده، اکنون برای ما مجهول است.^۶ واضح است که حتی ضعیف بودن روایان احادیث جابر جعفری، که نجاشی آن‌را دلیلی بر مختلط بودن خود وی دانسته است، نمی‌تواند دلیل ضعف خود او باشد،

۱. خاتمه مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۲۱۸؛ تهذیب المقال، ج ۵، ص ۹۳؛ نک. موسی زنجانی، (۱۳۹۴)، الجامع فی الرجال، ج ۱، قم، بی‌نا [چاپخانه‌ی پیروز]، ص ۳۵۳.
۲. ابوعلی حائری نیز استناد به اشعار در طعن جابر را از فردی مانند نجاشی غریب دانسته است؛ منتهی المقال، ج ۲، ص ۲۱۹.
۳. رجال نجاشی، ص ۱۲۸.
۴. مفید، (۱۴۱۴)، جوابات اهل الموصل، به کوشش مهدی نجف، بیروت، دارالمفید، صفحات ۲۵ و ۳۵ - ۳۶؛ معجم رجال الحدیث، ج ۴، ص ۳۳۸.
۵. بعضی منال النواصب، ص ۲۰۹؛ از آنجا که عبدالجلیل قزوینی رازی خود از پیروان برجسته‌ی مکتب مفید به‌شمار می‌رود، از دیدگاه مثبت وی نسبت به جابر می‌توان استنباط نمود که نظر نهایی مفید در باب جابر جعفری، توثیق وی بوده است؛ نک. احمد پاکتنجی، (۱۳۸۵)، مکاتب فقه امامی ایران پس از شیخ طوسی تا پایگیری مکتب حله، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، صفحات ۴۰-۴۱ و ۷۴.
۶. تنقیح المقال، ج ۱، ص ۲۰۳؛ خاتمه مستدرک الوسائل، صص ۲۱۷-۲۱۸.

چنان‌که «ابن‌غضائری» نیز بدان تصریح می‌کند.^۱ به‌علاوه، ثقه دانستن جابر از سوی ابن‌غضائری^۲ که بیشتر به جرح راویان می‌پردازد،^۳ دلیل دیگری بر رد جرح نجاشی است. درباره‌ی شبهه‌ی مختلط بودن جابر، بیان محدث نوری نیز شایان توجه است. او معتقد است مبنای شماری از عالمان شیعی قرون اولیه‌ی اسلامی که جابربن یزید را توثیق نکرده‌اند، این بوده است که برخی مسائل راجع معارف، نزد آنان مُنکَر و نادرست و معتقد به آن گمراه و مختلط بوده است؛ از جمله، عالم ذرّ و اظله نزد شیخ مفید، طی الارض نزد سید مرتضی و وجود بهشت و جهنم در زمان حاضر در نزد سیدرضی. حال آنکه این معارف در عصر ما حکم ضروریات را دارند. بنابراین دادن نسبت اختلاط به وی، اعتراف به دست‌یابی او به مقامات عالیه در معارف است.^۴ او در جایی دیگر می‌نویسد: «حق این است که او از راویان جلیل‌القدر، اعظام ثقات، بلکه از حاملان اسرار اهل بیت علیهم‌السلام و حافظان گنج‌های اخبار آنان است.»^۵

اشکال دیگر نجاشی به جابر این است که روایات اندکی در حلال و حرام از او رسیده،^۶ حال آنکه یعقوبی نام جابربن یزید جعفری را در زمره‌ی فقهای برجسته‌ی اواخر دوره‌ی اموی و اوایل دوره‌ی عباسی آورده است.^۷ تصریح یعقوبی، در کنار قاضی بودن جابر - که پیش از این آمد - نشان می‌دهد که جابر فقیهی توانمند بوده^۸ و اینکه نجاشی روایات او را در فقه اندک دانسته، ظاهراً در مقایسه با روایات فراوان وی در عقاید، تفسیر، اخلاق، سنن

۱. خلاصه الاقوال، ص ۹۴؛ نک. تنقیح المقال، ج ۲، ص ۲۰۳.

۲. خلاصه الاقوال، ص ۹۴.

۳. منتهی المقال، ج ۲، صفحه ۲۱۸؛ تنقیح المقال، ج ۱، ص ۲۰۳.

۴. خاتمه مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۲۱۸.

۵. همان، ص ۱۹۷.

۶. رجال نجاشی، ص ۱۲۸.

۷. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۴۸ و ۳۶۳.

۸. شهرت وی در فقه تا بدانجا است که در منبعی متقدم، از او با تعبیر «جابربن یزید الفقیه» یاد شده است؛ قاسم‌بن سلام، (۱۴۱۰)، کتاب النسب، به کوشش مریم محمد خیر الحرع و سهیل زکار، بیروت، دارالفکر، ص ۳۲۱.

و سایر معارف است.^۱ خوئی نظر نجاشی را عجیب می‌داند^۲ و معتقد است که با وجود روایات [فقهی] فراوان جابر در کتب اربعه.^۳ احتمالاً مراد نجاشی آن بوده که بیشتر روایات او، به علت ضعیف بودن راویان، شایسته‌ی اعتنا نیست و آنچه ثقات از جابر روایت کرده‌اند، اندک است؛ از این مقدار اندک نیز، تعداد کمی به حلال و حرام اختصاص دارد.^۴ در مقابل، زنجانی از جابر جعفری با تعبیر «دارای روایات فراوان در فقه» یاد کرده است.^۵ شبهه‌ی دیگری که در منابع رجالی شیعه، درباره‌ی جابر مطرح است، روایتی در رجال کشی است. این روایت از امام صادق علیه‌السلام به نقل از «زراره» آمده که بر اساس آن، امام علیه‌السلام جابر را جز یک بار نزد پدر خود ندیده و بنابراین او هرگز به حضور امام صادق علیه‌السلام نرسیده است. خوئی این روایت را موثق می‌داند و به فرض درستی، حمل بر توریه کرده است؛ زیرا اگر جابر فقط یک بار به حضور امام محمد باقر علیه‌السلام رسیده و هرگز نزد امام صادق علیه‌السلام نرفته باشد، همه به این امر شهادت می‌دهند و به آسانی می‌توان او را تکذیب کرد؛ دیگر چه حاجت بود به آنکه مردم در احادیث او اختلاف کنند و زیاد [بن ابی‌الحلال] از امام [صادق] علیه‌السلام درباره‌ی روایات وی پرسد.^۶ احتمال دارد که فضای ویژه‌ی زمانی و مکانی پرسش زراره، چنین پاسخی را می‌طلبیده است. به علاوه، روایات بسیاری که جابر مستقیماً از امام محمد باقر علیه‌السلام نقل کرده است با موثقه‌ی زراره تناسب و همخوانی ندارد. همچنین، احادیث وی به نقل از امام ششم علیه‌السلام، هرچند در مقایسه با روایات او از امام پنجم علیه‌السلام کمتر است، با این روایت قابل جمع نیست.^۷

۱. به نوشته‌ی مامقانی، جابر جعفری بیشتر به روایات مربوط به اصول دین اهمیت می‌داده تا فروع دین. از این رو، این کلام نجاشی نه مدح است و نه ذم؛ تنقیح المقال، ج ۱، ص ۲۰۳-۲۰۴؛ نک. خاتمه مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۲۱۸-۲۱۹؛ تهذیب المقال، ج ۵، ص ۶۸.
۲. در این باره، نک. خاتمه مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۲۱۸-۲۱۹.
۳. برای مثال نک. الکافی، ج ۱، صفحه ۲۰۹، ج ۲، ص ۱۶۶؛ صدوق، (۱۴۰۴)، من لایحضره الفقیه، ج ۱، به کوشش علی‌اکبر غفاری، قم، منشورات جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة، ص ۲۱، ج ۴، ص ۳۹۷؛ تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۴۲۰، ج ۳، ص ۴۸.
۴. معجم رجال الحدیث، ج ۴، ص ۳۴۵.
۵. الجامع فی الرجال، ج ۱، ص ۳۵۲.
۶. رجال کشی، ص ۱۹۱؛ معجم رجال الحدیث، ج ۴، ص ۳۴۴-۳۴۵.
۷. علیرضا هزار، «درنگی در شخصیت حدیثی جابرین یزید جعفری»، علوم حدیث، شماره‌ی ۲۴ (تابستان ۱۳۸۱)، ص ۱۰۶.

مجلسی اول این خبر را از اساس ضعیف دانسته است. محدث نوری نیز بر این نظر است که حمل این حدیث به تقیه از زراره بسیار بعید بوده و این حدیث احتمالاً وضع شده است. به هر حال، برای تضعیف جابر نمی‌توان به این روایت استناد کرد، زیرا علاوه بر مواردی که ذکر شد، این روایت با روایتی صحیح از امام صادق علیه السلام^۱ که به اسناد گوناگون در مدح جابر جعفری وارد شده است، همخوان نیست.^{۲ و ۳}

نتیجه‌گیری

جابر بن یزید جعفری از اصحاب نامدار صادقین علیهما السلام و از بزرگ‌ترین علمای شیعه‌ی امامیه است که در نیمه‌ی دوم قرن اول و نیمه‌ی اول قرن دوم هجری می‌زیست. او به تعالیم مکتب اهل بیت علیهم السلام، چون امامت، رجعت و مهدویت اعتقادی راسخ داشت، اما توجه ویژه‌ی او به باطن آیات و روایات سبب شد غالبان او را از پیشکسوتان خود قلمداد و خود را بدو منتسب کنند. سوءاستفاده‌ی غلات از شخصیت چهره‌ی موجهی چون جابر جعفری، نام وی را لکه‌دار کرد، چنان‌که برخی رجالیان شیعه در وثاقت او تردید کردند و برخی صاحب‌نظران، وی را به صراحت غالی خواندند. اما با بررسی دقیق‌تر روشن شد که او از اتهام غلو مبرا است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. رجال کشی، ص ۱۹۱-۱۹۲؛ معجم الثقات، ص ۲۵.

۲. نک. بصائر الدرجات، ص ۴۷۹-۴۸۰؛ اختصاص، ص ۲۰۴؛ ابن حمزه‌ی طوسی، عمادالدین ابوجعفر محمدبن علی، (۱۴۱۲)، الناقب فی المناقب، به کوشش نبیل رضا علوان، قم، انصاریان، ص ۴۰۳؛ خلاصه الاقوال، ص ۹۴.

۳. تنقیح المقال، ج ۱، ص ۲۰۳.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم

کتاب‌های فارسی و عربی:

- ابن ابی الحدید، ابو حامد عزالدین عبدالحمید (۱۳۳۷)، شرح نهج البلاغه، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، کتاب خانه عمومی آیه الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۳۷.
- ابن اثیر، عزالدین ابی الحسن علی، (۱۳۸۵-۱۳۸۶)، الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر و دار بیروت.
- ابن بطریق، یحیی بن حسن اسدی حلّی، (۱۴۰۷)، عمدة عیون صحاح الاخبار فی مناقب امام الابرار، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- ابن جبر، زین الدین علی بن یوسف، (۱۴۱۸)، نهج الايمان، به کوشش سید احمد حسینی، مشهد، مجتمع امام هادی علیه السلام.
- ابن جحام، محمد بن عباس بن مہیار بزاز، (۱۴۲۰)، تأویل ما نزل من القرآن الکریم فی النبی وآله، به کوشش فارس حسون، قم، الهادی.
- ابن حبان، ابی حاتم محمد، (بی تا)، کتاب المجروحین، به کوشش محمود ابراهیم زاید، مکه، دارالباز.
- ابن حجر عسقلانی، شهاب الدین احمد بن علی، (۱۴۱۵)، تقریب التهذیب، به کوشش مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- _____، (۱۴۰۴)، تهذیب التهذیب، بیروت، دارالفکر.
- ابن حزم ظاهری، ابو محمد علی بن احمد بن سعید، (بی تا)، المحلی، بیروت، دارالفکر.
- ابن حماد مروزی، (۱۴۱۴)، ابو عبدالله نعیم، کتاب الفتن، به کوشش سهیل زکار، بیروت، دارالفکر.
- ابن حمزه طوسی، عمادالدین ابو جعفر محمد بن علی، (۱۴۱۲)، الثاقب فی المناقب، به کوشش نبیل رضا علوان، قم، انصاریان.
- ابن حیان، محمد بن خلف، (بی تا)، اخبار القضاة، بیروت، عالم الکتب.
- ابن سعد، محمد، (بی تا)، الطبقات الکبری، بیروت، دار صادر.
- ابن شعبه حرانی، ابو محمد حسن بن علی بن حسین، (۱۴۰۴)، تحف العقول عن آل الرسول، به کوشش علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، ابو عبدالله محمد بن علی، (۱۹۵۶)، مناقب آل ابی طالب، نجف: مطبعة حیدریه.
- ابن طاووس حلّی، سید رضی الدین ابو القاسم علی بن موسی، (۱۳۹۹)، الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف، قم، چاپ خانه ی خیا.
- ابن عبدالبر، ابو عمر یوسف بن عبدالله، (بی تا)، الانتقاء فی فضائل الثلاثة الائمة الفقهاء، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- _____، (۱۳۸۷)، التمهید، به کوشش مصطفی بن احمد علوی و محمد عبدالکبیر بکری، مغرب، وزارة عموم الاوقاف والشؤون الاسلامیه.

٢٠ مطالعات تاریخ فرهنگی، شماره ٧

- ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن حسن، (١٤١٥)، تاریخ مدینة دمشق، به کوشش علی شیری، بیروت، دارالفکر.
- ابن قتیبة دینوری، عبدالله بن مسلم، (بی تا)، تأویل مختلف الحدیث، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- _____، (بی تا)، المعارف، به کوشش ثروت عکاشه، قاهره، دارالمعارف.
- الاختصاص، (١٤١٤)، [منسوب به] مفید، محمد بن محمد بن نعمان، به کوشش علی اکبر غفاری و سید محمود زرندي، بیروت، دارالمفید.
- الاصول الستة عشر، (١٤٠٥)، قم، دارالشبستری للمطبوعات.
- ام الكتاب، در:
- "Ummul-kitab", (1936), edited by W.Ivanow, *Der Islam*.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، (١٤٠٦)، التاريخ الصغير، به کوشش محمود ابراهیم زاید و یوسف مرعشی، بیروت، دارالمعرفة.
- _____، (بی تا)، التاريخ الكبير، دیاربکر، المكتبة الاسلامية.
- براقی نجفی، سید حسین بن سید احمد، (١٤٢٤)، تاریخ الکوفة، تحقیق ماجد احمد العطیة، بی جا، المكتبة الحیدریة.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد، (١٣٣٠)، المحاسن، به کوشش سید جلال الدین حسینی محدث، تهران، دارالکتب الاسلامیة.
- پاکتچی، احمد، (١٣٨٥)، مکاتب فقه امامی ایران پس از شیخ طوسی تا پایگیری مکتب حله، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- تجلیل تبریزی، ابوطالب، (بی تا)، معجم الثقات و ترتیب الطبقات، به کوشش سید حسین موسوی، قم، مطبعة مهر استوار.
- تستری، محمدتقی، (١٤١٨)، قاموس الرجال، قم، مؤسسة النشر الاسلامی.
- ثقفی کوفی، ابواسحاق ابراهیم بن محمد، (بی تا)، الغارات، به کوشش محدث ارموی، تهران، انجمن آثار ملی.
- حائری مازندرانی، ابوعلی محمد بن اسماعیل، (١٤١٦)، منتهی المقال فی احوال الرجال، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث.
- حلی، ابومنصور حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، (١٤١٧)، خلاصة الاقوال، به کوشش جواد قیومی اصفهانی، قم، مؤسسة نشر الفقاهاة.
- حلی، حسن بن سلیمان، (بی تا)، مختصر بصائر الدرجات، نجف، المطبعة الحیدریة، ١٣٧٠، چاپ مجدد: قم، انتشارات الرسول المصطفی صلی الله علیه وآله وسلم.
- خاقانی، علی، (١٤٠٤)، رجال، به کوشش سید محمد صادق بحر العلوم، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- خوانساری اصفهانی، سید محمدباقر موسوی، (١٤١١)، روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، بیروت، الدارالاسلامیة.
- خوئی، سید ابوالقاسم موسوی، (١٤١٣)، معجم رجال الحدیث، بی جا، بی نا.

جابرین یزید جعفری و بررسی اتهام غلو دربارہ وی ۲۱

- دیلمی، حسن بن ابی الحسن علی بن محمد، (۱۴۲۷)، *غرر الخبار و درر الآثار فی مناقب ابی الائمۃ الاطہار*، به کوشش اسماعیل ضیغم ہمدانی، قم، دلیل ما.
- دینوری، ابوحنیفہ احمد بن داوود، (۱۳۶۸)، *الاخبار الطوال*، به کوشش عبدالمنعم عامر و جمال الدین شیبال، قم، منشورات الرضی.
- ذہبی، شمس الدین ابو عبد اللہ محمد بن احمد، (۱۴۰۷)، *تاریخ الاسلام*، به کوشش عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتب العربی.
- _____، (بی تا)، *تذکرۃ الحفاظ*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- _____، (۱۳۸۲)، *میزان الاعتدال*، به کوشش علی محمد بجاوی، بیروت، دارالمعرفۃ.
- ذہبی، محمد حسین، (۱۳۹۶)، *التفسیر و المفسرون*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- زنجانی، موسی، (۱۳۹۴)، *الجامع فی الرجال*، قم، چاپخانہ ی پیروز.
- سمعانی، ابوسعید عبدالکریم بن محمد بن منصور تمیمی، (۱۴۰۸)، *الانساب*، به کوشش عبد اللہ عمر بارودی، بیروت، دارالجنان.
- صدر، سید حسن، (۱۳۷۵)، *تأسیس الشیعہ لعلوم الاسلام*، قم، انتشارات اعلمی.
- صدر، سید محمد باقر، (۱۴۱۷)، *بحوث فی علم الاصول: مباحث الحجج و الاصول العملیہ*، به کوشش سید محمود ہاشمی [شاهرودی]، قم، مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیہ.
- صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویہ، (۱۳۸۶)، *علل الشرایع*، نجف، منشورات المکتبۃ الحیدریہ.
- _____، (۱۴۰۵)، *کمال الدین و تمام النعمہ*، به کوشش علی اکبر غفاری، قم، مؤسسۃ النشر الاسلامی.
- _____، (۱۴۰۴)، *من لا یحضرہ الفقیہ*، به کوشش علی اکبر غفاری، قم، منشورات جماعۃ المدرسین فی الحوزۃ العلمیہ.
- صفار، ابو جعفر محمد بن حسن بن فروخ، (۱۴۰۴)، *بصائر الدرجات الکبری فی فضائل آل محمد صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم*، به کوشش حسن کوچہ باغی، تہران، مؤسسۃ الاعلمی.
- صفری فروشانی، نعمت اللہ، (۱۳۷۸)، *غالیان*، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- طبرانی نصیری، میمون بن قاسم، *مجموع الاعیاد*، در:
- Tiberias, Maimun Ibn el-Kasim, (1946), "Festkalender der Nusairier", by R.Strothman, *Der Islam*, Vol XXVII.
- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، (۱۴۱۵)، *جامع البیان*، به کوشش صدقی جمیل عطار، بیروت، دارالفکر.
- _____، (۱۳۸۲-۱۳۸۷)، *تاریخ الامم والملوک*، به کوشش محمد ابوالفضل ابراہیم، بیروت، دارالتراث.
- طبری صغیر، ابو جعفر محمد بن جریر بن رستم، (۱۴۱۳)، *دلائل الامامۃ*، قم، مؤسسۃ البعثۃ.
- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، (۱۴۱۴)، *الامالی*، قم، دارالتقافہ.
- _____، (۱۳۶۵)، *تہذیب الاحکام*، به کوشش سید حسن موسوی خراسان، تہران، دارالکتب الاسلامیہ.
- _____، (۱۴۰۷)، *الخلاف*، قم، مؤسسۃ النشر الاسلامی.

۲۲ مطالعات تاریخ فرهنگی، شماره ۷

- _____، (۱۴۱۵)، رجال، به کوشش جواد قیومی اصفهانی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- _____، (۱۴۱۷)، الفهرست، به کوشش جواد قیومی اصفهانی، قم، مؤسسه نشر الفقه، ۱۴۱۷.
- _____، (۱۴۱۱)، مصباح‌المتجهد، بیروت، مؤسسه فقه الشیعة.
- عصری، ابوعمرو خلیفة بن خیاط، (۱۴۱۴)، طبقات، به کوشش سهیل زکار، بیروت، دارالفکر.
- عقلی، محمد بن عمرو، (۱۴۱۸)، کتاب الضعفاء الکبیر، به کوشش عبدالمعطی امین قلجعی، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- عیاشی، محمد بن مسعود، (بی تا)، تفسیر، به کوشش سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، المکتبۃ العلمیة الاسلامیة.
- قاسم بن سلام، ابو عبید، (۱۴۱۰)، کتاب النسب، به کوشش مریم محمد خیر الحرع و سهیل زکار، بیروت، دارالفکر.
- قرطبی، عرب بن سعد، (۱۳۸۲-۱۳۸۷)، صلة تاریخ الطبری، در: طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، به کوشش محمد ابو الفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث.
- قزوینی رازی، نصیر الدین ابوالرشید عبدالجلیل، (۱۳۵۸)، بعض مثالب النواصب فی تقض بعض فضائح الروافض، چاپ میرجلال الدین محدث ارموی، تهران، انجمن آثار ملی.
- قمی، ابو الفضل سدید الدین شاذان بن جبرئیل، (۱۳۸۱)، الفضائل، نجف، المطبعة الحیدریة.
- کشی، محمد بن عمر، (۱۳۴۸)، رجال، [تلخیص] محمد بن حسن طوسی، به کوشش حسن مصطفوی، مشهد، انتشارات دانشگاه مشهد. و همان، (۱۴۰۴)، تصحیح و تعلیق میرداماد استرآبادی، به کوشش سید مهدی رجائی، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام لاحیاء التراث.
- کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، (۱۳۶۵)، الکافی، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیة.
- لالائی، ارزینا آر، (۱۳۸۱)، نخستین اندیشه‌های شیعی: تعالیم امام محمد باقر علیه السلام، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، فرزانه روز.
- مامقانی، عبدالله، (بی تا)، تنقیح‌المقال فی علم الرجال، طبع قدیم به خط احمد بن محمد حسین زنجانی، بی جا، بی نا.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳)، بحار الانوار، به کوشش محمدباقر بهبودی و عبدالرحیم ربانی شیرازی و دیگران، بیروت، مؤسسه الوفاء و دار احیاء التراث العربی.
- مسلم نیشابوری، ابوالحسین بن حجاج بن مسلم قشیری، (بی تا)، الجامع الصحیح، بیروت، دارالفکر.
- مشهدی، ابو عبدالله محمد بن جعفر، (۱۴۱۹)، المنزار، به کوشش جواد قیومی اصفهانی، قم، نشر قیوم.
- معرفت، محمد هادی، (۱۴۱۸)، التفسیر و المفسرون، مشهد، الجامعة الرضویة للعلوم الاسلامیة.
- مغربی، ابوحنیفه نعمان بن محمد بن حیون تمیمی، (۱۴۱۴)، شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار، به کوشش سید محمد حسینی جلالی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- مفید، ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان بغدادی، (۱۴۱۴)، الارشاد، بیروت، دارالمفید.
- _____، (۱۴۱۴)، الامالی، به کوشش حسین استاد ولی و علی اکبر غفاری، بیروت، دارالمفید.

جابرین یزید جعفری و بررسی اتهام غلو در باره وی ۲۳

- (۱۴۱۴)، *جوابات اهل الموصل فی العدد و الرؤیة*، به کوشش مهدی نجف، بیروت، دارالمفید.
- موحد ابطحی، سید محمدعلی، (۱۴۱۷)، *تهذیب المقال فی تنقیح کتاب الرجال*، قم، چاپ سید محمد موحد ابطحی.
- میرداماد استرآبادی، سید محمدباقر حسینی، (۱۴۰۴)، *التعلیقة علی اختیار معرفة الرجال*، در: طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن، *اختیار معرفة الرجال*، به کوشش سید مهدی رجائی، قم، مؤسسه آل‌البیته علیهم السلام لاحیاء التراث.
- نجاشی، ابوالعباس احمدبن علی، (۱۴۱۶)، *رجال*، به کوشش سید موسی شیبری زنجانی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- نعمانی، محمدبن ابراهیم، (۱۴۲۲)، *الغیبة*، به کوشش فارس حسون کریم، قم، انوارالهدی.
- نویختی، ابومحمد حسن بن موسی، (۱۳۵۵)، *فرق الشیعة*، به کوشش سید محمد صادق آل بحر العلوم، نجف، المكتبة المرتضویة.
- نوری طبرسی، حسین، (۱۴۱۶)، *خاتمة مستدرک الوسائل*، قم، مؤسسه آل‌البیته علیهم السلام لاحیاء التراث.
- نیشابوری کرابیسی، ابواحمد حاکم کبیر محمدبن محمدبن احمدبن اسحاق، (۱۴۰۵)، *شعار/صحاب الحدیث*، به کوشش عبدالعزیزبن محمد سرحان، کویت، دارالخلفاء؛ چاپ مجدد: بیروت، دارالبشائر الاسلامیة.
- یحیی بن معین غطفانی بغدادی، (بی تا)، *تاریخ*، به کوشش عبدالله احمد حسن، بیروت، دارالقلم.
- یعقوبی، احمدبن ابی یعقوب بن واضح، (بی تا)، *تاریخ*، بیروت، دار صادر، چاپ افست قم، مؤسسه نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام.

مقالات فارسی:

- جرار، ماهر، (۱۳۸۴)، «تفسیر ابوالجارود زیاد بن منذر: مقدمه‌ای در شناخت عقاید زیدیه»، ترجمه‌ی محمد کاظم رحمتی، *آینه پژوهش*، شماره‌ی ۹۵.
- رحمتی، محمدکاظم، (فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۵)، «مفضل بن عمر جعفری و کتاب الصراط منسوب به او»، کتاب ماه دین، شماره‌های ۱۰۲ و ۱۰۳.
- _____، (خرداد، تیر و مرداد ۱۳۸۵)، «نگاهی به کتاب الغنوصیة فی الاسلام»، کتاب ماه دین، شماره‌های ۱۰۴، ۱۰۵ و ۱۰۶.
- صفری فروشانی، نعمت‌الله، (۱۳۸۴)، «جابر بن یزید جعفری»، *دانشنامه جهان اسلام*، زیر نظر غلام‌علی حداد عادل، چاپ اول، تهران، بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، ج ۹، صص ۱۸۱-۱۸۴.
- قبادی، مریم و مهدوی‌راد، محمدعلی، (۱۳۸۶)، «بازشناسی اندیشه‌ی غلو»، *مطالعات اسلامی*، شماره‌ی ۷۸، صص ۱۰۹-۱۴۴.

۲۴ مطالعات تاریخ فرهنگی، شماره ۷

- هزار، علی‌رضا، (۱۳۸۱)، «درنگی در شخصیت حدیثی جابر بن یزید جعفی»، علوم حدیث، شماره ۲۴، صص ۹۸-۱۱۵.

کتاب‌های لاتین:

- Daftari, Farhad, (1992), *The Ismailis: Their history and doctrines*, Cambridge: Cambridge University Press.
- *Encyclopaedia of Islam: VII*, (1993), New Edition, Edited by C. E. Bosworth & Others, Leiden & New York: E.J.Brill.
- Jafri, S. Husain M., (1981), *The Origins and Early Development of Shi'a Islam*, London and New York: Longman.
- Modarressi, Hossein, (2003), *Tradition and Survival a bibliographical survey of early Shi'ite literature*, Oxford: One World.

مقالات لاتین:

- Kohlberg, Etan, (1993), "Muhammad b. 'Alī Zayn al- 'Ābidīn, Abū Dja'far, called al-Bākir", *EI2*, VII, pp. 397 - 400.
- Maimun Ibn el-kasim Tiberias, (1946), "Festkalender der Nusairier", by Strothman, *Der Islam*, Vol XXVII, p.5.

